

تعهدات حقوقی بین‌المللی اروپا در خصوص آزادی حجاب

احمد رضا شمس‌سی^۱

چکیده: ایده برخورداری از آزادی اندیشه و دین یک هنجار و نُرم پذیرفته شده جهانی است که در اسناد حقوقی بین‌المللی متعدد و همچنین قوانین اساسی بسیاری از کشورهای جهان متبلور است. طبق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حتی در شرایط اضطرار همگانی یا جنگ فسخ آزادی وجدان و مذهب مجاز نیست. هر دین و مذهبی نیز علاوه بر اندیشه و اعتقادات خاص درونی خود، متضمن برخی رفتارها و نمادهایی است که جنبه بیرونی داشته و در اجتماع بروز و ظهور خواهد داشت، لذا تضمین آزادی مذهبی باید توأمان در حوزه اندیشه و رفتار صورت پذیرد. آزادی ابراز دین یا عقیده شامل طیف وسیعی از اعمال از رژیم غذایی خاص تا پوشیدن لباس، متفاوت می‌شود. هرچند «افراد» و «حقوق» از کلیشه‌های اصلی و مورد توجه در ادبیات حقوقی اروپا به‌شمار می‌روند، اما افزایش سریع تنوع فرهنگی در جوامع اروپایی چالش‌های جدیدی برای حمایت از حقوق بشر از جمله حق اظهار علنی دین و عقیده به‌وجود آورده است. طی سال‌های اخیر، حجاب زنان مسلمان به موضوع بحث و جدل روزافزون در برخی از کشورهای اروپایی بدل شده است. گسترش این روند به برخی کشورهای دیگر (همچون جمهوری آذربایجان) و همچنین تعمیق روند مذکور برای غیر شهروندان (پیشنهاد دولت فرانسه برای منع برقع برای جهانگردان خارجی) ضرورت بررسی حقوقی تعهدات بین‌المللی کشورها برای فراهم‌نمودن بستر آزادی پوشش مذهبی و استفاده از نمادهای دینی را روشن می‌سازد. این مقاله سعی دارد با استفاده از منابع غربی و به استناد تعهدات بین‌المللی که کشورهای حوزه اتحادیه اروپایی خود را مقید و پایبند آن اعلام می‌دارند، مغایرت محدودیت‌های ایجاد شده علیه پوشش اسلامی زنان مسلمان را به چالش کشیده و لزوم تأمین حق آزادی پوشش مذهبی را تبیین سازد. **واژگان کلیدی:** حجاب، حقوق بین‌المللی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، اتحادیه اروپایی.

۱. آقای احمد رضا شمس‌سی، کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل ahmadrezashamsi@yahoo.com

مقدمه

قاره اروپا بعد از آسیا و آفریقا، سومین قاره‌ای است که دین اسلام به آن وارد شد. اسلام ریشه عمیق تاریخی در اروپا داشته و مسلمانان بزرگ‌ترین اقلیت دینی در این قاره را تشکیل می‌دهند، به طوری که آمار رسمی^۱ حاکی از آن است که ۷ درصد از شهروندان ۷۳۰ میلیونی این قاره یعنی حدود ۵۰ میلیون نفر را مسلمانان تشکیل می‌دهند. اگر جمعیت مسلمانان دنیا را ۱/۶۵ میلیارد نفر بدانیم، حدود ۴۵۰ میلیون نفر مسلمان در خارج از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی زندگی می‌کنند و ۳ درصد از این میزان جزو شهروندان قاره اروپا محسوب می‌شوند.^۲ از جمعیت نزدیک به ۵۰۰ میلیون نفری ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپایی نیز حدود ۱۹ میلیون نفر مسلمان هستند. به عبارت دیگر، قریب به ۴ درصد شهروندان اتحادیه اروپایی را مسلمانان تشکیل می‌دهند که بزرگ‌ترین اقلیت دینی اروپا به‌شمار آمده و براساس استانداردهای بین‌المللی و الزامات حقوق بشری، باید از برخی حقوق مصرح بین‌المللی و اروپایی برخوردار باشند.

روشن است جمعیت ۷۳۰ میلیوی قاره اروپا شامل ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپایی به‌علاوه روسیه، اوکراین، نروژ، ایسلند، سوئیس، بلاروس، کرواسی، آلبانی، مولداوی، مقدونیه، بوسنی هرزگوین، صربستان، مونته‌نگرو، واتیکان و لیختن‌اشتاین می‌گردد.

دولت‌های عضو اتحادیه اروپایی باید به حقوق مسلمانان برای انجام فرایض مذهبی شامل حق برگزاری مراسم دینی، حق ساخت عبادتگاه بدون موانع غیر ضروری، حق برگزاری آئین‌های تدفین، حق پوشیدن لباس متمایز، حق رعایت مقررات مربوط به رژیم‌های غذایی خاص، حق برگزاری دوره‌های آموزش دینی و تربیت رهبران مذهبی احترام بگذارند. هرگونه محدودیت درباره انجام آزادانه اعمال دینی باید با الزامات حقوق بین‌المللی سازگاری داشته باشد (گزارش فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر هلسنکی، ۱۳۸۸).^۳ اما علی‌رغم تعهدات بین‌المللی و ادعاهای حقوق بشری این کشورها مبنی بر

۱. آمار رسمی همواره از طرف اقلیت‌ها مورد سؤال و تردید است و آن‌ها مدعی هستند که این آمار بنا به ملاحظات عدیده‌ای کمتر از آمار واقعی اعلام می‌شود.

۲. درصد پراکندگی مسلمانان در پنج قاره و همچنین آمار شهروندان مسلمان اروپایی و تخمین این میزان در سال ۲۰۲۰ در جداول پیوست مقاله ارائه شده است.

۳. از توصیه‌های فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر هلسنکی به کشورهای عضو EU. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: «تبعیض و ناشکیبایی علیه مسلمانان در اتحادیه اروپا بعد از ۱۱ سپتامبر»، گزارش فدراسیون بین‌المللی

آزادی بیان و عقیده و رعایت حقوق اقلیت‌ها، نقض گسترده‌ای از حقوق مسلمانان به اشکال مختلف در برخی از کشورهای عضو EU گزارش شده و مسلمانان همواره مورد تبعیض حقوقی، اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته‌اند. این سخت‌گیری‌ها هر روز روند تازه‌تری را تجربه می‌کند و پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، محدودیت‌های بیشتری برای به انزوا کشاندن اقلیت مسلمان در جوامع اروپایی اعمال می‌شود. ممنوعیت حجاب اسلامی در دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی، ادارات و اماکن عمومی، ممنوعیت ساخت مناره برای مساجد در سوئیس، تبعیض علیه مسلمانان در دادگاه‌ها، شهرداری‌ها و ادارات دولتی، آزادی بی‌حد و حصر رسانه‌ها در تبلیغات منفی علیه مسلمانان و اهانت به مقدسات ایشان به خصوص ساحت مقدس پیامبر گرامی اسلام (ص) و قرآن مجید و محدودیت تملک برای مسلمانان از جمله این اقدامات است.

موج اسلام‌ستیزی در اروپا و آمریکا با حربه اسلام‌هراسی،^۱ در سال‌های اخیر به انحای مختلف و غالباً با مخالفت‌های به اصطلاح قانونی با نمادهای اسلامی گسترش یافت. شاید بتوان قانون ممنوعیت نمادهای مذهبی در فرانسه را که منجر به اخراج شمار زیادی از دختران و زنان محجبه مسلمان از دانشگاه‌ها و مدارس گردید، اولین حرکت سازماندهی شده دولتی در اروپا دانست. علی‌رغم ادعای سیاستمداران و قانون‌گذاران فرانسوی مبنی بر اینکه قانون مذکور ماهیتی عام دارد، اما مسلمانان آنرا قانونی به‌ویژه متوجه خود می‌دانند، چرا که همزمان با بحث در مورد این قانون، زنان مسلمان محجبه با روند رو به رشد تبعیض مواجه شده و حتی حضور زنان محجبه در مکان‌هایی مانند شهرداری برای ثبت ازدواج هم با مشکلاتی همراه بوده است (وطن امروز، ۱۳۸۹/۲/۲۰: ص ۷). اخیراً دولتمردان فرانسه با دیدی متعصبانه اقدام به طرح لایحه‌ای نمودند که بر مبنای آن پوشیدن برقع در اماکن عمومی ممنوع شده و از تاریخ

حقوق بشر هلسنکی، ترجمه: دکتر علی مرشدی‌زاد، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، آذر ۱۳۸۸.

۱. اسلام‌هراسی مفهومی است که به ترس و پیشداوری و تبعیض غیرعقلانی در برابر اسلام و مسلمانان اشاره دارد. سابقه این اصطلاح به دهه ۱۹۸۰ باز می‌گردد، اما پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مورد استفاده بیشتری قرار گرفت. اسلام‌هراسی در کشورهای مختلف به اشکال متفاوتی بروز کرده و در برخی از کشورها به «اسلام‌ستیزی» منتهی شده است. در این میان نقش رسانه‌ها و برخی از سیاستمداران و متفکران غربی در به تصویر کشیدن اسلام و مسلمانان به عنوان تهدیدی برای امنیت و ارزش‌های غربی غیر قابل انکار است.

تعبیر کوفی عنان دبیر کل سابق سازمان ملل در کنفرانسی با عنوان اسلام‌هراسی در سال ۲۰۰۴ جالب و قابل تأمل است: هنگامی که جهان مجبور است اصطلاحی برای نشان دادن تعصب و سرسختی در عقیده بیافریند، نشان از تحولی تأسف برانگیز و دشوار دارد (پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان ملل: ۲۰۰۴).

۱۱ آوریل ۲۰۱۱ (۲۲ فروردین ۱۳۹۰) پلیس فرانسه، زنانی که صورت خود را در اماکن عمومی می‌پوشانند، بازداشت کرده و به جریمه نقدی و زندان محکوم می‌کند. این در حالی است که فرانسه بیشترین جمعیت مسلمان را بین کشورهای اتحادیه اروپایی دارد (پایگاه خبری مهر: فروردین ۱۳۹۰).

در حالی که خبرگزاری‌های متعدد در سراسر جهان، عمدتاً موضوع قوانین منع پوشش اسلامی در فرانسه را مخابره می‌نمایند، اما این رویداد در بسیاری از کشورهای غربی در ابعاد گوناگونی مشاهده می‌شود: در دانمارک زن مسلمان به‌خاطر حجاب خود از کار برکنار می‌شود؛ دختر مسلمانی در انگلیس به لحاظ استفاده از پوشش اسلامی جلاب (نوعی لباس بلند و گشاد) از مدرسه اخراج می‌شود؛ در نیوزیلند زن مسلمانی با پوشیدن برقع (پوشیه) در هنگام شهادت دادن در دادگاه، مورد اعتراض قرار می‌گیرد و زن فوتبالیست استرالیایی که حضورش در بازی توسط داور منوط به برداشتن روسری از سر می‌شود (Evans, 2006). وزارت علوم جمهوری آذربایجان نیز اخیراً از دانشجویان دختر خواسته که عکس بدون حجاب را برای کارت دانشجویی ارائه دهند. موضوع اصلی این بحث‌ها ناسازگاری استفاده از روسری در مدارس و مؤسسات دولتی و نیز دیگر اشکال رعایت شئون اسلامی در ملاء عام، با اصل جدایی دین و دولت است (Danchin, 2008).

در برخی از کشورها از جمله اتریش، اسپانیا و انگلیس مواردی وجود داشته است که دانش‌آموزان مسلمانی که روسری به سر داشته‌اند به سبب قوانین محدودکننده موجود در مدرسه، علی‌رغم آزادی استفاده از روسری در مدارس دولتی این کشورها، با دشواری‌هایی روبرو بوده‌اند. موضوع ممنوعیت حجاب در اماکن عمومی در برخی از کشورهای عضو اتحادیه مطرح شده و حتی فرانسه موضوع تصویب قانون منع پوشش اسلامی زنان جهانگرد در خاک این کشور را نیز مطرح ساخته است (رویترز: ۲۲ آوریل ۲۰۱۰).

فضای تبلیغاتی به‌وجود آمده پس از ۱۱ سپتامبر علیه اسلام و مسلمانان، نه فقط مسلمانان رادیکال، بلکه تمامیت اسلام و همه مسلمانان را هدف حمله

۱. نادین مورانو وزیر دوم امور خانواده‌ها در دولت فرانسه اظهار داشته که باتوجه به لزوم ضرورت احترام به قوانین فرانسه برای گردشگران خارجی، قانون منع پوشش برقع برای جهانگردان خارجی در فرانسه نیز اجرا خواهد شد: برای اطلاع بیشتر به آدرس خبر زیر مراجعه شود:

<http://www.reuters.com/article/2010/04/22/us-france-burqa-idUSTRE63L33R20100422>

اسلام‌هراسی قرار داد. زنان محجبه‌ای که بنا به وظیفه دینی و شرعی خود روسری به سر می‌کنند و هیچ نسبتی با رادیکالیسم ندارند، تحقیر، توهین و تهدید شده و به آن‌ها حمله می‌شود، در صورتی که براساس حقوق بین‌الملل، هنجارهای دینی و فرهنگی هیچ‌گاه نمی‌تواند توجیه‌کننده عدم تساهل و رفتار متجاوزانه و توهین‌آمیز باشند. (گزارش فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر هلسینکی، ۱۳۸۸) نکته قابل توجه این است که، برخلاف اقدام دولتمردان و سیاستمداران^۱، اکثر مردم اروپا هیچ مشکلی با حجاب زنان مسلمان نداشته و از آن حمایت نیز می‌کنند.^۲ در این نوشتار، تعهدات بین‌المللی که براساس آن‌ها کشورها متعهد به تأمین و تضمین آزادی‌های مذهبی اقلیت‌ها می‌باشند مورد بررسی قرار گرفته و در مبحث دوم، تعریف آزادی عقیده و دین و چگونگی ابراز آن مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

آزادی مذهبی در حقوق بین‌الملل

آزادی دین و مذهب از جمله اصولی است که صراحتاً در حقوق بین‌المللی و نیز قوانین اساسی بسیاری از کشورهای جهان بر آن صحنه گذاشته شده است.^۳ آزادی مذهبی یکی از جنبه‌های خاص آزادی عقیده است که براساس آن افراد می‌توانند آزادانه تعلق یا عدم تعلق فکری خود را به مذهبی خاص اعلام نموده یا در انتخاب و عدم انتخاب یک مذهب یا تغییر آن از آزادی لازم برخوردار باشند. بدیهی است که هر دین و مذهبی علاوه بر اندیشه و اعتقادات خاص درونی خود، متضمن برخی رفتارها و نمادهایی است که جنبه بیرونی داشته و در اجتماع بروز و ظهور خواهد داشت.

۱. خانم ویتتر در کتاب «حجاب و جمهوری» توضیح می‌دهد که چگونه سیاستمداران از موضوع زنان و به‌خصوص حجاب برای دستیابی به اهداف سیاسی خود سوء استفاده می‌کنند.

Winter, Bronwyn. "Hijab & the Republic: Uncovering the French Headscarf Debate", Syracuse University Press, 2008.

۲. براساس یک نظرسنجی بعمل آمده از ساکنان شهر لندن، ۷۵ درصد از آنان اظهار داشته‌اند که از حق تمامی افراد مبنی بر پوشش مطابق دین و عقیده خود حمایت می‌کنند <http://politics.guardian.co.uk/gla/story/o.,1952628.00.html> در نظرسنجی دیگری در انگلیس،

۷۷ درصد از مردم این کشور از حق پوشش روسری برای زنان مسلمان حمایت کرده‌اند.

(<http://www.ipsos-mori.com/polis/2006/itv.shtml>)

۳. برای اطلاع بیشتر ر.ک. به گزارش «چارچوب مکاتبات» که از گزارش سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ کارشناس ویژه آزادی دین و عقیده سازمان ملل متحد اقتباس شده است:

<http://www2.ohchr.org/english/issues/religion/standards.htm#I3>

آنچه ادیان را از یکدیگر متمایز می‌سازد، باورها و رفتار مذهبی آنهاست. اگر در حمایت از آزادی مذهب، این تفاوت نادیده گرفته شود، در واقع، هویت و حق فردی افراد نادیده گرفته شده است. رفتار مشابه بدون توجه به تفاوت‌های مذهبی یا قومی، بی‌اثر ساختن آن دسته از قواعد حقوق بین‌الملل بشری است که اجازه می‌دهد این تفاوت مورد توجه قرار گیرد. برخی از میثاق‌های بنیادین حقوق بشری مستقیماً موضوع آزادی مذهبی را مورد اشاره و تأکید قرار داده و برخی دیگر از اسناد حقوقی بین‌المللی نیز به صورت غیر مستقیم از آزادی مذهب و ابراز آن حمایت کرده‌اند.

۱. تعهدات بین‌المللی

۱-۱. منشور ملل متحد

مطابق بند ج ماده ۱ و بند ج ماده ۵۵ منشور ملل متحد «کلیه دول عضو، متعهد به رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا دین» خواهند بود. براین اساس، تمامی افراد یک جامعه در پرتو اصل «عدم تبعیض» و برابری افراد با یکدیگر، در حمایت حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرند.

۱-۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر

در میان اسناد بین‌المللی حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) جایگاه ویژه‌ای دارد. هرچند این اعلامیه ماهیتاً قانون محسوب نمی‌شود، اما قوانین اساسی بسیاری از کشورها و نیز کنوانسیون‌های متعددی از مفاد و مندرجات آن الهام گرفته و در نتیجه به سطح قواعد عام‌الشمول رسیده است.

مطابق ماده ۲ این اعلامیه: «هر فردی بدون هیچ گونه تمایز، خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، تولد یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و آزادی‌های اعلام شده در این اعلامیه برخوردار است».

براساس ماده ۱۸ این اعلامیه نیز «هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند باشد». این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است که می‌توان از این حقوق به صورت فردی یا جمعی به‌طور خصوصی یا عمومی برخوردار باشد (فلسفه حقوق، ۱۳۷۸: ۲۹۰). بدیهی است که مذهب را نمی‌توان صرفاً در چارچوب اندیشه محصور کرده یا آن را به باورهای محض اعتقادی و تجربه‌های

درونی تقلیل داد. اندیشه و اعتقاد مذهبی نهایتاً دارای جنبه‌های رفتاری ویژه‌ای خواهد بود که در بیرون و جامعه بروز خواهد کرد. از آنجا که نمی‌توان «اندیشه مذهبی» را به صورت مطلق از «رفتار مذهبی» منفک کرد، لذا تضمین آزادی مذهبی باید توأمان در حوزه اندیشه و رفتار صورت پذیرد. به عبارت دیگر نمی‌توان شهروندان یک جامعه را از لحاظ مذهبی آزاد دانست، اما آن‌ها را از انجام اعمال و مناسک مذهبی و یا از حق سازماندهی مذهبی و برخورداری از نهادها و اجتماعات دینی منع نمود. نتیجه آن که آزادی دینی دارای دو شالوده اساسی است: ۱. امکان یا توانایی علنی و بروز تعلقات دینی و انتخاب یا عدم انتخاب آزادانه یک دین یا تغییر و انصراف از آن، ۲. آزادی داشتن رفتار و زندگی مذهبی.

کمیته حقوق بشر سازمان ملل در تفسیری، آزادی در انتخاب پوشش متفاوت مذهبی از جمله روسری را مشمول ماده فوق می‌داند (Human Rights Committee, 1993).

۳-۱. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

امروزه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مهمترین سند بین‌المللی لازم‌الاجرائی است که از اقلیت‌ها حمایت می‌کند. مطابق مواد ۲، ۵، ۱۸، ۲۶ و ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۷۶): هر انسانی از حق آزادی فکر، وجدان و دین برخوردار است. این حق شامل اظهار عقیده و ایمان، تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی به نحو فردی یا جمعی، خصوصی یا عمومی خواهد بود. کمیته حقوق بشر سازمان ملل در پاراگراف سوم تفسیر عمومی شماره ۲۲ خود در این خصوص اشعار می‌دارد که این مواد هیچ محدودیتی در زمینه آزادی دین و عقیده را روا نمی‌داند. بند چهارم این تفسیر چنین بیان می‌کند:

آزادی ابراز دین یا عقیده شامل طیف وسیعی از اعمال می‌شود. مفهوم عبادت به آیین و تشریفات مذهبی و همچنین مناسک متعدد مربوط به آن مانند ساخت محل عبادت، استفاده از نمادهای عبادی و نمایش این نمادها و رعایت تعطیلات مذهبی تعمیم داده می‌شود. مراعات و انجام امور دینی و عقیدتی نه تنها شامل اقدامات مذهبی است، بلکه آیین و سنن آن از جمله مقررات رژیم غذایی، پوشیدن لباس متفاوت یا روسری و... را نیز شامل می‌شود (Human Rights Committee, 1993).

در بند ۵ این تفسیر نیز تصریح شده است که بند ۲ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هرگونه تهدید فیزیکی یا مجازات کیفری برای اعمال فشار به

پیروان یک دین را ممنوع ساخته و سیاست‌ها و اقداماتی که با این هدف اتخاذ شود را مغایر با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌داند.

بند ۴ ماده ۱۸ نیز دولت‌های عضو میثاق را موظف می‌دارد که به آزادی والدین در آموزش فرزندان مطابق با عقیده و دین خود احترام بگذارند.

ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح می‌کند: در کشورهایی که اقلیت‌های قومی، دینی و یا زبانی زندگی می‌کنند، افراد متعلق به این اقلیت‌ها را نمی‌توان از حقوق خود در جامعه همراه با سایر افراد گروهشان برای بهره‌مندی از فرهنگ و اظهار ایمان خود و انجام مناسک و به کار بردن زبان خود باز داشت. این ماده، حق تمتع از فرهنگ خاص خود، حق تدین به دین خود و عمل بر طبق آن و حق تکلم به زبان خود را برای اقلیت‌ها در نظر می‌گیرد.

در حق برخورداری از فرهنگ خود، اقلیت‌ها می‌توانند لباس‌های خاص خود را بر تن کرده، به آداب و رسوم خاص فرهنگ خود در مراسم و مهمانی‌ها عمل کنند و از ادبیات و هنر خاص خود استفاده نمایند. حق تدین به دین و عمل بر طبق آن شامل: شرکت آزادانه اعضای اقلیت در مراسم و آداب دینی، عدم اجبار به آموزش تعالیم دین دیگر، حق تأسیس نهادهای مذهبی و ادامه‌فعالیت آن‌ها می‌شود (میرمحمدی، ۵۳:۱۳۸۶).

طبق ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هرگونه دفاع از نفرت ملی، نژادی یا دینی که باعث برانگیختن تبعیض، خصومت یا خشونت شود باید طبق قانون ممنوع شود. بند ۲ ماده ۴ نیز اظهار می‌دارد که حتی در شرایط اضطرار همگانی یا جنگ نیز فسخ آزادی وجدان و مذهب مجاز نیست.

کمیته حقوق بشر سازمان ملل تأکید دارد که حق شخص برای ابراز دین، گستره وسیعی از فعالیت‌ها از جمله ساخت عبادتگاه، پوشیدن لباس‌های متمایز و پوشش‌هایی برای سر و رعایت مقررات غذایی را در بر می‌گیرد. این کمیته همچنین تأکید می‌کند که محدودیت‌های اعلام شده براساس بند ۲ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، نباید دارای ماهیت تبعیض‌آمیز باشد و باید با هدفی که برای آن در نظر گرفته شده است رابطه مستقیم و تناسب داشته باشد و نباید باعث تباهی حق آزادی دینی شود.

کمیته مذکور محدودیت‌هایی غیر از آنچه در بند ۲ ماده ۱۸ مجاز شمرده شده، مانند «امنیت ملی» برای اعمال محدودیت علیه اقلیت‌های دینی را مجاز نمی‌داند.

همچنین باید اشاره کرد که محدودیت‌ها اقدامات استثنایی هستند که باید دقیقاً تفسیر شوند.

۴-۱. اعلامیه رفع تمامی اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر مذهب و عقیده

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ اعلامیه‌ای در خصوص رفع تمامی اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر مذهب و عقیده را به تصویب رساند و آزادی انجام مناسک مذهبی و همچنین عدم تبعیض بر پایه مذهب یا عقیده را مورد تأکید قرار داد. بند ۱ ماده ۱ این اعلامیه حق آزادی انتخاب دین و عقیده و همچنین ابراز علنی یا خصوصی مناسک دینی را اعلام داشته و بند ۲ همین ماده، اعمال فشار بر این آزادی را منع می‌نماید. بند سوم این ماده همانند بند سوم ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعمال محدودیت در ابراز دین یا عقیده را صرفاً برای حمایت از نظم، امنیت و بهداشت عمومی و حقوق بنیادین و آزادی دیگران و فقط در چارچوب قانون ممکن می‌داند.

در بند «ج» ماده ۶ اعلامیه مجمع عمومی، آزادی دین یا عقیده شامل «استفاده از میزان کافی از اشیاء و اجناس ضروری مرتبط با مناسک یا سنت‌های دینی» قلمداد شده است. منظور از اشیاء همان نمادهای مذهبی است که پیروان ادیان مختلف برای برگزاری مناسک خود ملزم به استفاده از آن هستند. کمیته حقوق بشر سازمان ملل نیز یکی از مصادیق مفهوم عبادت را «نمایش نمادهای مذهبی و پوشش متفاوت یا استفاده از روسری و عمامه» می‌داند (Human Rights Committee, 1993).

اعلامیه ۱۹۸۱ مجمع عمومی همچنین ضمن تأکید بر آزادی والدین در آموزش مناسک دینی و اخلاقی به فرزندان خود، هرگونه اجبار به این فرزندان برای یادگیری مذهب یا عقیده مغایر با میل والدین آن‌ها را ممنوع می‌داند (ماده ۵).

۵-۱. اعلامیه حقوق افراد وابسته به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی یا زبانی

اعلامیه حقوق افراد وابسته به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی یا زبانی (۱۹۹۲) سیستم نوینی را برای حمایت از حقوق اقلیت‌ها ایجاد نمود. بند اول ماده ۲ این اعلامیه چنین بیان می‌دارد: افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی یا زبانی حق دارند به‌طور خصوصی و عمومی آزادانه و بدون دخالت و یا هیچ‌گونه تبعیضی از فرهنگ خود بهره‌مند شده، دین خود را اظهار داشته و به آن عمل نمایند و به زبان خود سخن گویند. بند ۱ ماده ۱ این اعلامیه دولت‌ها را موظف می‌کند که از موجودیت و هویت

اقلیت‌های ملی یا قومی، فرهنگی، دینی و زبانی در سرزمین‌های خود حمایت به عمل آورده و شرایطی به وجود آورند که در آن هویت اقلیت‌ها رشد یابد.

۶-۱. کنوانسیون حقوق کودک

علاوه بر ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) که به منع تبعیض می‌پردازد، مواد ۱۴ و ۳۰ این کنوانسیون نیز در خصوص حقوق کودکان گروه‌های اقلیت می‌باشد. ماده ۳۰ مقرر می‌دارد:

«در کشورهایی که اقلیت‌های قومی، مذهبی، زبانی یا افرادی با منشاء بومی وجود دارند، کودک متعلق به این‌گونه اقلیت‌ها یا کودکی که بومی است، نباید از حق برخورداری از فرهنگ خود، برخورداری از مذهب خود و اعمال آن یا استفاده از زبان خود به همراه سایر اعضای گروه محروم شود». این موضوع در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه ۱۹۸۱ مجمع عمومی و برخی دیگر از کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

کمیته حقوق کودکان سازمان ملل در اظهارنظر نهایی در دومین گزارش دوره‌ای خود در خصوص کشور فرانسه از افزایش تبعیض به خصوص در زمینه دین ابراز نگرانی کرده و قوانین منع استفاده از پوشش و نمادهای دینی در مدارس دولتی را مغایر با حقوق کودکان و حق دسترسی آن‌ها به آموزش دانست.

۷-۱. میثاق بین‌المللی حمایت از حقوق تمامی کارگران مهاجر و اعضای خانواده ایشان (MWC)

مواد ۱ و ۷ و ۱۲ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق تمامی کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها (مصوب قطعنامه ۴۵/۱۵۸ سال ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل) به آزادی دینی و ابراز آن می‌پردازد.

بند ۱ ماده ۱۲ کنوانسیون فوق‌الذکر می‌دارد:

کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها دارای آزادی اندیشه، وجدان و مذهب هستند. این حق شامل آزادی انتخاب یک دین یا عقیده و آزادی ابراز آن خواه به صورت فردی یا همراه دیگران در جامعه و چه به صورت عمومی یا خصوصی از طریق عبادت، مراعات، انجام مناسک و آموزش آن می‌باشد.

بند ۴ ماده فوق‌الذکر نیز کشورهای عضو این کنوانسیون را متعهد می‌نماید که آزادی والدینی که حداقل یکی از آن‌ها کارگر مهاجر هستند (و یا سرپرست قانونی

کودک) را برای آموزش دینی و اخلاقی کودکانشان مطابق با عقاید والدین محترم بشمارند.

۲. تعهدات منطقه‌ای

اروپاییان مفتخرند که «افراد» (Individual) و «حقوق» (Rights) ایشان از کلیشه‌های اصلی و مورد توجه در ادبیات حقوقی آنهاست. حقوق بشر در مفهوم امروزی آن نیز به دنبال تأمین حداکثری حقوق افراد در برابر فعالیت‌های مداخله‌جویانه دولت‌هاست. دولت‌ها موظفند چارچوبی را فراهم نمایند که افراد بدون نقض آزادی و حقوق سایرین، حداکثر بهره‌مندی را از حقوق خود داشته باشند. حقیقت این است که در اروپا «افراد» از کمبود حمایت حقوقی به‌خصوص در بخش حقوق بشر رنج نمی‌برند بلکه در دموکراسی اروپایی اراده واقعی سیاسی برای اختیار دادن به افراد وجود ندارد (277: The European Journal of International Law, 2010). در حالی که بسیاری از کشورهای اروپایی در قالب اتحادیه اروپا کشورهای جهان سوم و به‌خصوص کشورهای اسلامی را متهم به نقض حقوق بشر می‌کنند، خود نه تنها تعهدات بین‌المللی را نقض می‌نمایند بلکه به توافقات و تعهدات منطقه‌ای خود نیز وقعی نمی‌نهند. برخی از تعهدات منطقه‌ای که کشورهای اروپایی را ملزم به آزادی دین و مذهب و ابراز آن می‌کند، به شرح ذیل می‌باشد.

۲-۱. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱

اغلب کشورهای اروپایی عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده و این کنوانسیون برای آنها لازم‌الاجراست. آزادی مذهبی در ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر منعکس شده است. این ماده اشعار می‌دارد:

۱. همه افراد از حق آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره‌مند هستند. این حق شامل آزادی تغییر دین یا عقیده و آزادی اظهار دین و عقیده، عبادت، آموزش، انجام و مراعات مناسک دینی خواه به صورت فردی و خواه در جامعه با دیگران در محیط عمومی یا خصوصی می‌شود.^۲

1. European Convention on Human Rights (ECHR)

۲. بند ۱ ماده ۱۰ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپایی و بند ۱ ماده ۱ اعلامیه عدم تساهل و تبعیض دینی نیز دارای عبارت مشابهی در خصوص آزادی دینی هستند.

۲. آزادی اظهار دین یا عقیده صرفاً زمانی با محدودیت مواجه خواهد شد که توسط قانون تجویز شده و برای یک جامعه دموکراتیک ضروری بوده و در راستای امنیت، نظم، بهداشت و اخلاق عمومی و یا حقوق و آزادی سایرین باشد.

ماده فوق، آزادی مذهب را صراحتاً به رسمیت شناخته و این آزادی را شامل ابراز عقیده و دین و همچنین انجام مناسک مربوطه می‌داند. بند دوم این ماده نیز تصریح می‌کند که این آزادی مطلق نیست و در شرایط خاصی می‌تواند محدود شود؛ اولاً، محدودیت اعمال شده باید قانونی باشد. دوماً، باید هدف مشروع برای این محدودیت وجود داشته باشد که شامل امنیت، نظم و بهداشت عمومی و یا حفظ حقوق سایرین می‌باشد و سوم این که محدودیت مذکور باید برای یک جامعه دموکراتیک ضروری تشخیص داده شود.

یکی از ویژگی‌های ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تمایز بین دو جنبه از آزادی مذهبی است. از یک سو، در بُعد داخلی آزادی مذهبی (جنبه فکری و اعتقادی دینی)، هیچ حد و محدودیتی برای داشتن یا نداشتن یک دین و همچنین حق تغییر دین قائل نشده و این آزادی را مطلق در نظر گرفته است. هیچ کس نمی‌تواند فردی را مجبور سازد که به یک دین خاص اعتقاد داشته باشد و یا دین خود را تغییر دهد. از سوی دیگر، بُعد خارجی آزادی دینی است که به ظهور و بروز اعتقاد دینی در جامعه پرداخته و محدودیت‌هایی برای آن در نظر می‌گیرد (بند ۲ ماده ۹) (Rorive, 2009).

دیوان اروپایی حقوق بشر در تفاسیر متعددی از کنوانسیون مزبور اظهار داشته است که آزادی عقیده و دین یکی از بنیان‌های یک جامعه دموکراتیک بوده و یکی از عناصر بسیار مهم و حیاتی است که هویت پیروان ادیان و مفهوم زندگی را شکل می‌دهد (Sundkvist, 2010: 25). برخلاف آنچه در نص قانون اساسی آمریکا آمده است، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تصریح می‌کند آزادی مذهب شامل بروز و نمایش باورهای دینی و اعتقادی بوده و فقط منحصر به عقیده و اندیشه نیست. با این حال، آزادی نمایش خارجی باور دینی تحت سه شرط محدود می‌شود: مجوز قانونی؛ تحقق یک هدف مشروع (امنیت عمومی، نظم، بهداشت و حفظ اخلاق همگانی، حفظ آزادی سایرین) و ضروری بودن این محدودیت در یک جامعه دموکراتیک. این شروط برای سایر آزادی‌های مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از جمله آزادی بیان، آزادی اجتماعات و آزادی حریم خصوصی نیز قید شده است (Rorive, 2009).

در ماده ۲ اولین پروتکل الحاقی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز تاکید

شده است:

هیچ فردی را نمی‌توان از حق آموزش محروم کرد. دولت باید حق والدین در تضمین اینکه فرزندان آن‌ها تعلیم و آموزشی مطابق با دین و اعتقادات فلسفی آن‌ها ببینند را محترم شمارد.

۲-۲. قوانین بنیادین اتحادیه اروپایی

برخلاف شورای اروپا که از ابتدای تشکیل آن بعد از جنگ دوم جهانی، تقویت ارزش‌های دموکراتیک و آزادی‌های اساسی را محور خود قرار داده بود، اتحادیه اروپایی که در ابتدا با محوریت اقتصاد بازار تشکیل شد، تا سال‌های متمادی بجای رفتار یکسان با تمامی افراد فارغ از دین یا عقیده، موضوع عدم تبعیض (به‌خصوص بین زن و مرد و عمدتاً در موضوع اشتغال و دستمزدها) را محور اصلی همگرایی اروپایی قرار داده بود. به واقعیت رسیدن مفهوم «شهروندی اتحادیه اروپایی» و ضرورت کسب مشروعیت بیشتر برای EU مستلزم اتخاذ سیاست فرصت‌های برابر برای تمامی شهروندان بود. نتیجه سال‌ها تلاش جوامع مدنی در اروپا، افزودن ماده ۱۳ پیمان ماستریخت ۱۹۹۷ بود. این ماده بنیان قوانین ضدتبعیضی در اتحادیه اروپایی به شمار می‌رود و از کشورهای عضو اتحادیه می‌خواهد تا اقدامات مقتضی برای مبارزه با هرگونه تبعیض برپایه جنس، نژاد یا قوم، دین یا عقیده، ناتوانی و سن را اتخاذ نمایند. هرچند این ماده یک گام مهم در راستای اصل برابری در اروپا بود، اما الزامی برای مؤسسات اروپایی ایجاد نمی‌کند (Rorive, 2009).

۲-۳. سند نهایی نشست وین ۱۹۸۹

سند نهایی نشست نمایندگان کشورهای شرکت کننده در کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در وین در سال ۱۹۸۹، آزادی‌های مذهبی موجود در بیانیه ۱۹۸۱ به‌خصوص آزادی گروه‌های مذهبی را گسترش داد. در این سند، تبعیض علیه افراد و جوامع در تمامی بخش‌های زندگی مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منع شده است. این سند معتقدان به ادیان مختلف و همچنین میان دینداران و بی‌دینان را به بردباری و احترام متقابل توصیه می‌کند (Witte, 2009:592).

ماده ۱۶ این سند، به منظور تضمین آزادی افراد برای ابراز عقیده و انجام مناسک دینی، از کشورهای عضو می‌خواهد تا اقدامات مؤثری برای ممانعت و حذف تبعیض مبتنی بر دین و عقیده علیه افراد و جوامع انجام دهند تا افراد بتوانند از آزادی‌های اساسی و حقوق بشر خود در تمامی جنبه‌ها بهره‌مند شوند. حق دسترسی آزاد به عبادتگاه‌ها باید محترم شمرده شده و حق استفاده از کتب مقدس و سایر

کتاب‌های مذهبی و کالاهای و لوازم مرتبط با انجام مناسک دینی نیز محترم شمرده شود. همچنین به کشورهای عضو توصیه شده است برای درک بهتر از الزامات آزادی دینی، با مؤسسات و سازمان‌های دینی مشورت نمایند.

دولت‌های عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا بارها خود را نسبت به احترام به آزادی افراد برای عمل به دینشان خواه به صورت فردی و خواه در جمع متعهد ساخته‌اند. این دولت‌ها خود را متعهد می‌دانند اقدامات مناسب برای حمایت از اشخاص یا گروه‌هایی که ممکن است تهدید شده یا در معرض تبعیض، خصومت یا خشونت حاصل از هویت نژادی، قومی، فرهنگی، زبانی یا دینی خود قرار داشته باشند، به عمل آورند و از دارایی آن‌ها حمایت کنند. آن‌ها در چند مورد نیز پذیرفته‌اند اقداماتی مؤثر برای پیشبرد تساهل و درک به‌ویژه در حوزه‌های آموزش، فرهنگ و اطلاعات به عمل آورند. شورای دائمی سازمان امنیت و همکاری اروپا در ژوئیه ۲۰۰۴ تصمیم شماره ۶۲۱ در خصوص تساهل و جنگ علیه نژادپرستی، بیگانه‌هراسی و تبعیض به تصویب رساند که بر طبق آن دولت‌های شرکت‌کننده خود را متعهد ساختند اقداماتی را برای مبارزه با تبعیض و خشونت علیه مسلمانان به عمل آورند.

۲-۴. رهنمودهای شورای اروپایی

شورای اروپایی در سال ۲۰۰۰ و بعد از اجرایی شدن پیمان ماستریخت دو رهنمود را اتخاذ کرد که سطوح حداقلی مشترکی را برای حمایت قانونی در مقابل اشکال معینی از تبعیض در دولت‌های عضو اتحادیه اروپایی در نظر می‌گیرند. رهنمود نخست، رهنمود ۲۰۰۰/۴۳، دولت‌های عضو را ملزم می‌کند اقداماتی جدی برای مبارزه با تبعیض نژادی یا قومی در اشتغال، آموزش، حمایت اجتماعی و دسترسی به کالاهای و خدمات عمومی و ارائه آن‌ها به عمل آورند. رهنمود دوم ۲۰۰۰/۷۸ چارچوبی را برای اقدامات مربوط به مبارزه با تبعیض مبتنی بر دین یا باور، ناتوانی، سن یا جنس در اشتغال ارائه می‌دهد.

دو رهنمود مذکور چهار نمونه از تبعیض غیرقانونی را منع می‌کند: تبعیض مستقیم، تبعیض غیرمستقیم، آزار و اذیت و دستور به تبعیض قائل شدن. قوانین ضد تبعیضی اتحادیه اروپایی، تحولی حقوقی برای مقابله با برخی از موانع ایجاد شده در مقوله نمادهای دینی از جمله حجاب می‌باشد. در بخش اشتغال و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تبعیض مستقیم بر پایه دین و عقیده ممنوع می‌باشد. به عبارت دیگر، در

شرایط یکسان، افراد را نمی‌توان صرفاً به لحاظ دینشان مورد تبعیض قرار داد (Rorive, 2009).

باتوجه به اختلافات و مناقشات حقوقی و اجتماعی پیش آمده در خصوص پوشش نمادهای مذهبی در اماکن عمومی در اروپا، شورای اروپا در نوامبر سال ۲۰۰۸ دستورالعملی در این زمینه تدوین نمود تا ضمن روشن ساختن مفهوم پوشش نمادهای مذهبی، چارچوبی را برای سیاست‌گذاران، حقوقدانان، کارشناسان و سایر افراد ذی‌نفع در این زمینه ارائه نماید.

حق آزادی دین و ابراز آن: «آزادی عقیده» و «آزادی بیان» از حقوق اساسی و بنیادین بشر و در زمره حقوق مدنی و سیاسی و به اصطلاح نسل اول حقوق بشر به شمار می‌روند که در بسیاری از اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای مورد تأکید و تصریح قرار گرفته‌اند. در بسیاری از اسناد حقوقی، آزادی «عقیده و بیان»، به شکل توأمان بیان شده و از آن، به عنوان «یک حق» یاد می‌شود. برای مثال، در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.

این‌گونه حقوق از جمله «تعهدات به نتیجه» دولت‌هاست و دولت‌های عضو میثاق ملزم هستند که بدون توجه به قید امکانات موجود یا شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر جامعه، این حقوق را به‌طور مطلق اعمال نمایند. اگر آزادی بیان از آزادی عقیده تفکیک گردد و آزادی عقیده، بدون آزادی بیان، اثبات شود، این حق، فاقد کمترین ارزش بوده و هیچ اثری بر آن مترتب نمی‌شود زیرا عقیده‌ای که ابراز نشود و جزء مکنونات درونی انسان باقی بماند، قابل دسترسی دیگران نبوده و بیم و نگرانی نسبت به آن معنی ندارد. چنانکه ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح می‌کند، حق آزادی عقیده در زمره حقوق غیرقابل تعلیق است که حتی در شرایط جنگی و فورس ماژور نیز به حال تعلیق در نمی‌آید و در هیچ شرایط و اوضاعی نباید مورد نقض قرار گیرد. برخی از اندیشمندان غربی نیز آزادی بیان و اندیشه و انتشار عقاید را چنان مقدس می‌دانند که اگر همه انسان‌ها یکسان ببندیشند و تنها یک نفر با نظر همه مخالف باشد، کار عموم در خاموش کردن اجباری آن یک تن به همان اندازه نارواست که اگر او قدرت داشت و نوع بشر را به زور خاموش می‌کرد (استوارت میل، ۱۳۶۳: ۵۰).

آزادی مذهبی یکی از جنبه‌های خاص آزادی عقیده است و هر دین و مذهبی علاوه بر اندیشه و اعتقادات درونی خود، شامل برخی رفتارها و نمادهایی است که جنبه

بیرونی داشته که در اجتماع نمود و ظهور خواهد داشت. از آنجاکه تفاوت میان ادیان ناشی از تمایز میان باورها و رفتار مذهبی آنهاست، لذا عدم توجه به این تفاوت‌ها، نادیده انگاشتن هویت و حق فردی افراد خواهد بود. انتخاب و پذیرش یک دین یا باور فلسفی یکی از جنبه‌های مهم و برجسته هویت افراد بوده و تعلق فرد به گروه خاصی را نشان می‌دهد. در عین حال، آزادی مذهبی بخشی از ارتقای چندفرهنگی یک جامعه دمکراتیک به‌شمار می‌رود (استوارت میل، ۱۳۶۳: ۵۰). به قول استاد شهید مطهری، هر مکتبی که به ایدئولوژی خود اعتقاد و ایمان داشته باشد، ناچار باید طرفدار آزادی اندیشه و تفکر باشد. برعکس، هر مکتبی که ایمان و اعتقاد به خود ندارد، جلوی آزادی اندیشه و تفکر را می‌گیرد.

حق آزادی دین و عقیده، بنابر حمایت استانداردهای بین‌المللی، دربردارنده حق اظهار دین به شیوه‌های مختلف از جمله پوشیدن لباس متمایز است. پوشش لباس و نمادهای مذهبی در مکان‌های عمومی همواره منشأ بحث و جدال‌های سیاسی و حقوقی در بسیاری از کشورهای جهان بوده است. هرچند پوشش موی سر زنان، سابقه تاریخی داشته و مربوط به اقوام و کشورهای مختلفی است، اما پوشش زنان مسلمان چند دهه‌ای است که به یکباره در کانون توجهات قرار گرفته است. گرچه نمادهای مذهبی زیادی همچون عمامه سیک‌ها، عرق‌چین یهودیان و صلیب مسیحیان توجهات را به خود جلب می‌کند، اما بی‌تردید روسری زنان مسلمان (حجاب) مهم‌ترین سمبل مذهبی است که بحث‌های فراوانی را در جهان غرب برانگیخته است (Barnett, 2004). نکته قابل توجه این است که از ۱۶ مورد پرونده مطرح در دیوان اروپایی حقوق بشر در زمینه استفاده از نمادهای دینی (تا سال ۲۰۰۹)، سیزده مورد آن مربوط به روسری زنان مسلمان بوده و تنها سه پرونده دیگر، عمامه مردان سیک را بررسی کرده است (Rorive, 2009).

برای این که بدانیم «دین» یا «عقیده» مورد حمایت تمامی اسناد فوق به چه معنی است، باید مفهوم آن را در رویه‌های قضایی به‌خصوص در دادگاه‌های اروپایی دنبال کنیم. رویه‌های موجود تعریف نسبتاً وسیعی از مفهوم دین ارائه می‌دهد. در رای کوکیناکیس (یونان)، دیوان اروپایی ضمن تأکید بر اهمیت آزادی اندیشه، وجدان و مذهب اظهار داشت که آزادی دین و مذهب یک حق متعالی برای افراد به‌شمار می‌رود و حتی غیرمعتقدین^۱ نیز شایسته احترام هستند. این تفسیر از سال ۱۹۹۳ چندین بار

توسط دیوان تکرار شده و هم‌اکنون به یک رویه قضایی تبدیل شده است. طیف وسیعی از عقاید و فلاسفه غیر دینی نیز مشمول ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌شوند. ادیان و مذاهب سنتی نظیر فرقه‌های مختلف مسیحیت، اسلام، یهود، هندو و بودیسم در کنار ملحدان در شمول ماده ۹ قرار دارند. برخی از فرقه‌ها نیز دین محسوب شده و در قضیه آرسمیس (انگلستان)،^۱ آیین صلح‌طلبی از طرف دادگاه به عنوان یک عقیده در نظر گرفته شد. با این حال، براساس نظر دیوان اروپایی، یک عقیده باید سطح مشخصی از آگاهی، جدیت، پیوستگی و اهمیت را دارا باشد تا مشمول کنوانسیون اروپایی شود. البته پیروان یک عقیده باید وجود عینی چنین عقیده‌ای را نیز ثابت نمایند (Evans, 2009:12).

هر دین و مذهبی علاوه بر اندیشه و اعتقادات خاص درونی خود، متضمن برخی رفتارها و نمادهایی است که جنبه بیرونی داشته و در اجتماع بروز و ظهور خواهد داشت. یکی از بارزترین ابعاد بروز دین در جامعه، حضور نمادها و ساختاری دینی در آن جامعه است. اغلب نهادهای قضایی یا شبه قضایی بین‌المللی، نمایش نمادهای دینی را در بروز و ظهور خارجی دین و عقیده^۲ می‌دانند و نه اعتقادات درونی فرد.^۳ بسیاری از اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری نیز به آزادی «ابراز» دین یا عقیده در عبادت، مراعات، انجام و آموزش مناسک دینی اشاره دارند (Rorive, 2009). کنوانسیون اروپایی حقوق بشر چهار نوع مشخص از ابراز دین یا عقیده را نام برده است: پرستش،^۴ تعلیم،^۵ انجام مناسک^۶ و مراعات.^۷ البته دیوان در موارد متعددی اظهار داشته است که این چهار مورد الزاماً لیست قطعی و نهایی اشکال ابراز دین نیست (Evans, 2009:12).

حق آزادی دین و عقیده، در بر دارنده حق اظهار دین به شیوه‌های مختلف مانند پوشیدن لباس متمایز است. پوشیدن نماد یا لباس مذهبی نه تنها بخشی از آزادی دین یا عقیده است، بلکه نوعی آزادی بیان است و براساس نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، آزادی بیان نه تنها در مورد ایده یا اطلاعات مورد پذیرش و بی‌ضرر پذیرفته شده است، بلکه در مواردی که موجب دلخوری و برآشفتن دولت و یا بخشی از جامعه باشد نیز صادق خواهد بود. به عقیده دیوان، نمی‌توان به دلیل ناخشنودی یا رنجش بخشی از جامعه، محدودیت‌های کلی برای ابراز نمادها یا لباس‌های خاصی در نظر گرفت. برخی

1. Arrowsmith v. UK
2. Forum Externum
3. Forum Internum
4. Worship
5. Teaching
6. Practice
7. Observance

محدودیت‌های قانونی نیز با در نظر گرفتن ضرورت آن در جامعه دمکراتیک، باید در مدت زمان محدود و در شرایط خاص و بدون تبعیض اعمال گردد (Evans, 2009: 12).

نتیجه‌گیری

کشورهای اروپایی در پذیرش نماد و پوشش مذهبی در اماکن عمومی خود رفتار کاملاً متفاوتی را ارائه داده‌اند.^۱ فرهنگ سیاسی و ملی و تاریخ هر کشور در تعریف

۱. نکته قابل توجه این است که براساس قوانین اساسی اغلب کشورهای اروپایی و آرای دادگاه‌های داخلی، داشتن حجاب در اماکن عمومی منع قانونی نداشته و زنان مسلمان می‌توانند آزادانه با پوشش اسلامی در جامعه حضور داشته باشند. نمونه‌هایی از آرای صادره به شرح ذیل می‌باشد:

- در سال ۲۰۰۸، دیوان عالی اداری فرانسه (Conseil d'Etat) اعلام داشت: استفاده دانش‌آموزان از نمادهایی که نشانه تعلق آن‌ها به دین خاص می‌باشد به خودی خود مغایر با اصول سکولاریسم نیست... اما این آزادی نباید به دانش‌آموزان اجازه دهد که استفاده از علائم دینی به شکلی از فشار، تحریک، تبلیغ دینی تبدیل شده و شأن آزادی سایر دانش‌آموزان و یا سایر اعضای جامعه آموزشی را تضعیف کرده، بهداشت و یا سلامت آن‌ها را به خطر انداخته، روند فعالیت‌های آموزشی و نقش آموزشی معلمان را مختل کرده و یا در نظم مدرسه یا عملکرد عادی خدمات عمومی مانع ایجاد نماید (Rorive, Isabelle)

- در سال ۱۹۸۹ نیز دادگاه استیناف اداری فرانسه در رأی مهم، نتیجه گرفت که استفاده از نمادهای دینی از سوی دانش‌آموزان مدارس دولتی به خودی خود با اصل لائیسیتیه ناسازگار نیست. همچنین، این دادگاه تعداد ۴۱ مورد از ۴۹ اخراج دانش‌آموزان از مدارس دولتی در سال‌های ۹۹-۱۹۹۲ را غیرقانونی اعلام کرد.

IHF, Human Rights in the OSCE Region: Europe, Central Asia and North America-Report 2004 (Events of 2003)

- وزارت آموزش اتریش در سندی دولتی در ژوئن ۲۰۰۴ تأکید کرد که حق آزادی دین مندرج در قانون اساسی اتریش و کنوانسیون حقوق بشر اروپا استفاده از روسری را حمایت می‌کند و هرگونه تلاش برای ممانعت از روسری پوشیدن دانش‌آموزان غیرقانونی است.

Austrian Ministry of Education, Science and Culture, Policy Document ZI, 20.251/3-III/3/2004, June 23, 2004

- دادگاه استیناف بلژیک در سال ۲۰۰۲ اعلام داشت که مقامات محلی نمی‌توانند مانع از اعطای کارت هویت به زنانی شوند که برای عکس کارت هویت خود بر داشتن روسری اصرار دارند.

- کمیسیون برابری نژادی انگلیس ممنوعیت استفاده از روسری و دیگر سربندها در مدارس را نژادپرستی غیرمستقیم توصیف کرده است.

- دادگاهی در دانمارک در سال ۲۰۰۰ اعلام کرد که امتناع یک فروشگاه بزرگ از پذیرش دختر مسلمانانی که روسری به سر داشت، تبعیض غیرمستقیم محسوب می‌شود.

- دادگاه قانون اساسی فدرال آلمان در سال ۲۰۰۳ حکم کرد که دولت بادن و تمبرگ نباید معلمان مسلمان را از سر نمودن روسری منع کند.

محدوده و میزان آزادی مذهبی نقش بسیار مهمی دارد. به‌طور مثال، رفتار انگلیس با فرانسه در زمینه حجاب بسیار متفاوت بوده است. کشورهای غربی، عمدتاً سلامت عمومی جامعه، نظم عمومی، اخلاق، امنیت و یا تعارض با حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران را بهانه این محدودیت‌ها اعلام می‌کنند. گرچه دلیل اصلی همه این فشارها را باید در رشد بی‌سابقه اسلام و در نتیجه اسلام‌ستیزی این کشورها جستجو کرد، اما اگر بهانه‌های کشورهای مذکور را بپذیریم، این سؤال مطرح خواهد شد که آیا روسری چند زن مسلمان می‌تواند نظم عمومی یک کشور را به هم ریخته و موجب ناامنی گردد؟ آیا داشتن حجاب، آزادی دیگران را به خطر می‌اندازد یا منع حجاب است که موجب سلب آزادی از دختران و زنان مسلمان می‌شود؟ آیا می‌توان به بهانه‌های فوق، حقوق ابتدایی و طبیعی بخشی از جامعه را نقض و اقلیت‌ها را از انجام مناسک و حقوق قانونی خود بازداشت؟ به نظر نمی‌رسد پوشش زن مسلمان خطری برای سلامت عمومی جامعه و نظم یا اخلاق عمومی باشد و یا با حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران در تعارض قرار گیرد. هیچ دادگاه و محکمه‌ای نیز بیان نکرده است که حجاب چگونه نظم عمومی، حقوق زنان و آزادی مذهب و بیان دیگران را مختل می‌کند.

آن دسته از کشورهایی که مقررات و سیاست‌های ضد حجاب را اتخاذ کرده‌اند، غالباً اقدامات خود را حول سه محور ذیل توجیه می‌کنند:

۱. پوشش اسلامی یک وظیفه مذهبی تلقی نمی‌شود، بلکه نماد و سمبل دینی است و با لائیسیتته مغایرت دارد؛

۲. حجاب با ایمنی و بهداشت جامعه مغایرت داشته و آن را به خطر می‌اندازد؛

۳. حجاب تأثیرات منفی بر سایر افراد جامعه به‌خصوص در مدارس داشته و موجب تحمیل مذهب بر سایر دانش‌آموزان می‌شود.

در پاسخ به بهانه‌های فوق می‌توان چنین استدلال کرد:

اولاً براساس آموزه‌های دین اسلام، رعایت نوع پوشش یکی از وظایف مهم و اصلی مذهبی و نشانه عفاف به‌شمار می‌رود و صرفاً یک سمبل یا نماد دینی محسوب نمی‌شود. براساس نص صریح قرآن، زنان مسلمان ملزم به رعایت پوشش خاصی هستند و منع حجاب، یک مانع واقعی در انجام وظایف دینی زنان مسلمان خواهد بود که با حقوق مذهبی و اقلیتی مصرح در قواعد حقوق بین‌الملل نیز در تضاد خواهد بود.

- کمیسیون رفتار برابرانه هلند تفسیر دادگاهی از این کشور علیه پوشش اسلامی در سال ۲۰۰۱ را رد کرد و آن را تبعیضی غیرمستقیم براساس باورهای دینی دانست.

دوم این که تاکنون هیچ توجیه قانع‌کننده‌ای در خصوص خطر حجاب اسلامی برای امنیت، نظم، بهداشت و اخلاق عمومی جامعه و یا مغایرت آن با حقوق و آزادی‌های اساسی سایر افراد جامعه ارائه نشده است. بهترین شاهد برای این مدعا این است که تاکنون دیوان اروپایی حقوق بشر در هیچ پرونده مطرحی در زمینه حجاب، از مغایرت پوشش اسلامی با نظم عمومی سخنی به میان نیاورده است. بلکه برعکس، بسیاری از حقوقدانان و قضات اروپایی معتقدند که زنان محجبه افراد متعصبی نبوده و یک مبلغ دینی محسوب نمی‌شوند. تنها بهانه دیوان اروپایی برای دفاع از منع پوشش اسلامی در اماکن عمومی موضوع «حاشیه صلاح‌دید ملی»^۱ بوده است.

نکته سوم این که براساس حقوق بین‌الملل، دولت‌ها زمانی می‌توانند مانع از انجام مناسک دینی شوند که براساس دلایل و شواهد روشنی، ابراز عقیده یا دین به حقوق سایر افراد تجاوز نماید. در صورتی که روسری زنان مسلمان هیچ تهدیدی علیه بهداشت، نظم و اخلاق عمومی نیست. حجاب هیچ تأثیر منفی بر حقوق و آزادی‌های اساسی سایرین نداشته و در عملکرد آموزشی مدارس نیز تأثیر منفی ندارد. قواعد بین‌المللی حقوق بشر، مقامات دولتی را از هرگونه اجبار در آزادی دینی برحذر می‌دارد و این الزام باید در نوع لباس فرم مدارس نیز مدنظر باشد. روی دیگر این استدلال این است که براساس قواعد بین‌المللی، دانش‌آموزان مذهبی باید از فشارهای لائیسیتیه و سکولار محافظت شوند. تردیدی نیست که در کشورهای غربی، فشار ناشی از سیستم آموزشی، معلمان و سایر دانش‌آموزان بر دختران محجبه بسیار بیشتر از فشار تعداد معدودی از این دختران بر سایرین می‌باشد. منع پوشش اسلامی در کشورهای مدعی حقوق بشر، نه تنها حق آزادی دینی و حقوق اقلیتی دختران و زنان مسلمان را نادیده می‌گیرد، بلکه حق آموزش و تحصیل، حق کار و حقوق ناشی از عدم هرگونه تبعیض بر پایه مذهب را نیز پایمال خواهد کرد. برای مثال، مهم‌ترین عواقب منفی قانون «منع نمادهای مذهبی در مدارس»، گریبانگیر دختران و زنان محجبه‌ای خواهد بود که علاوه بر از دست دادن فرصت آموزش و کسب مدارج علمی، از فرصت رشد و یافتن بسیاری از مشاغل باز خواهند ماند.

طبق ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هرگونه دفاع از نفرت ملی، نژادی یا دینی که باعث برانگیختن تبعیض، خصومت یا خشونت شود، طبق قانون ممنوع می‌باشد. لذا در کنار منع پوشش اسلامی و نقض حقوق زنان مسلمان در غرب،

اهانت به قرآن کریم که کلام و بیان خداست، از جمله پروژه اخیر قرآن‌سوزی، نقض آشکار و مقابله غیرقابل توجیه با آزادی بیان و عقیده بوده و صراحتاً با حقوق دینی و مذهبی مندرج در حقوق بین‌الملل در تناقض است. این پروژه که مصداق عینی تحریک به تنفر، تهییج اقدامات تنفر برانگیز و ایجاد تنفر در ادیان است، در کنار سایر اقدامات اسلام‌ستیزانه کشورهای غربی، نقطه سیاه دیگری در پرونده نقض حقوق بین‌المللی این کشورها محسوب و قابل پیگیری است.

جدول ۱. مقایسه جمعیت مسلمانان در سال ۲۰۱۰ به تفکیک پنج قاره و برآورد رشد

آن تا سال ۲۰۲۰

برآورد در سال ۲۰۲۰				۲۰۱۰				قاره
نسبت	%	مسلمانان	جمعیت	نسبت	شمار مسلمانان	%	جمعیت	
مسلمانان				مسلمانان				
در جهان				در جهان				
۶۸/۴۷	۲۸/۵۳	۱,۳۲۵,۵۱۲,۰۹۰	۴,۶۴۶,۳۱۰,۷۸۵	۶۹/۳۰	۱,۱۴۰,۰۰۴,۳۹۱	۲۷/۵۳	۴,۱۴۱,۶۶۵,۳۳۳	آسیا
۲۸/۴۵	۴۲/۳۹	۵۵۰,۸۳۶,۵۰۳	۱,۲۶۹,۴۹۱,۰۲۶	۲۷/۱۱	۴۴۵,۹۷۳,۱۹۸	۴۲/۸۱	۱,۰۱۷,۹۶۵,۶۲۷	آفریقا
۲/۵۱	۶/۷۲	۴۸,۶۴۴,۰۸۴	۷۲۳,۶۴۴,۶۱۱	۲/۹۸	۴۸,۹۵۹,۴۶۰	۶/۷۳	۷۲۷,۱۷۴,۵۳۱	اروپا
۰/۵۴	۱	۱۰,۴۸۳,۰۵۱	۱,۰۵۲,۳۶۱,۱۷۹	۰/۵۸	۹,۵۱۸,۴۵۹	۱/۰۱	۹۳۸,۸۷۵,۳۸۵	آمریکا
۰/۰۳	۱/۳۴	۵۴۲,۲۴۱	۴۰,۳۸۷,۱۷۵	۰/۰۳	۴۸۱,۰۲۵	۱/۶۳	۳۵,۲۹۳,۶۱۱	اقیانوسیه
۱۰۰	۲۵/۰۴	۱,۹۳۶,۰۱۷,۹۷۰	۷,۷۳۲,۱۹۴,۷۷۷	۱۰۰	۱,۶۴۴,۹۳۶,۵۳۴	۲۳/۹۸	۶,۸۶۰,۹۷۴,۴۸۷	جهان

جدول ۲. آمار جمعیت شهروندان مسلمان در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپایی در سال ۲۰۱۰ به ترتیب میزان

برآورد در سال ۲۰۲۰		۲۰۱۰				کشور
تعداد مسلمانان	جمعیت	نرخ رشد سالانه جمعیت	جمعیت مسلمانان	% مسلمانان	جمعیت	
۶,۶۴۶,۹۴۱	۶۸,۰۳۴,۱۹۹	۰/۵۴۹	۶,۲۹۲,۸۰۵	۹/۷۷	۶۴,۴۰۹,۴۶۹	فرانسه
۳,۴۷۰,۴۸۴	۸۱,۸۵۱,۰۴۵	- ۰/۰۵۳	۳,۴۸۸,۹۳۲	۴/۲۴	۸۲,۲۸۶,۱۲۳	آلمان
۲,۵۲۰,۶۰۶	۶۳,۰۱۵,۱۵۴	۰/۲۷۹	۲,۴۵۱,۳۴۸	۴/۰۰	۶۱,۲۸۳,۷۱۱	انگلیس
۱,۱۵۱,۸۸۹	۴۰,۸۴۷,۱۱۸	۰/۰۷۲	۱,۱۴۳,۶۲۸	۲/۸۲	۴۰,۵۵۴,۱۸۰	اسپانیا
۱,۰۱۱,۹۶۲	۵۷,۸۲۶,۴۰۵	- ۰/۰۴۷	۱,۰۱۶,۷۳۱	۱/۷۵	۵۸,۰۹۸,۸۹۳	ایتالیا
۱,۰۱۴,۳۸۳	۱۷,۴۸۹,۳۶۹	۰/۴۱۲	۹۷۳,۵۲۲	۵/۸۰	۱۶,۷۸۴,۸۶۹	هلند
۸۰۵,۵۳۶	۶,۶۰۲,۷۵۳	- ۰/۰۷۹	۸۷۲,۰۲۸	۱۲/۲۰	۷,۱۴۷,۷۷۰	بلغارستان
۶۴۲,۹۲۶	۱۰,۵۲۲,۵۲۷	۰/۰۹۴	۶۳۶,۹۱۴	۶/۱۱	۱۰,۴۲۴,۱۲۵	بلژیک
۵۱۳,۴۶۳	۹,۲۱۸,۳۵۷	۰/۱۵۸	۵۰۵,۴۲۰	۵/۵۷	۹,۰۷۳,۹۶۵	سوئد
۴۳۶,۶۲۴	۱۰,۸۸۸,۳۸۶	۰/۱۲۷	۴۳۱,۱۱۸	۴/۰۱	۱۰,۷۵۱,۰۶۵	یونان
۳۴۸,۴۶۱	۸,۲۵۷,۳۶۶	۰/۰۵۲	۳۴۶,۶۵۴	۴/۲۲	۸,۲۱۴,۵۵۰	اتریش
۲۲۲,۹۲۲	۵,۶۷۲,۳۱۷	۰/۲۸۰	۲۱۶,۷۷۵	۳/۹۳	۵,۵۱۵,۹۱۱	دانمارک
۶۷,۷۶۲	۳۱,۸۵۸,۸۲۶	- ۰/۱۴۷	۶۸,۷۶۷	۰/۳۱	۳۲,۱۸۲,۷۶۴	رومانی
۴۷,۹۳۸	۱,۹۸۰,۹۰۲	- ۰/۱۱۳	۴۸,۴۸۳	۴/۴۲	۲,۰۰۳,۴۲۶	اسلوونی
۳۶,۱۰۸	۴,۷۵۱,۰۳۰	۱/۱۲۰	۳۲,۳۰۲	۰/۷۶	۴,۲۵۰,۲۷۶	ایرلند
۱۵,۴۵۱	۱۱,۰۳۶,۳۳۰	۰/۲۷۵	۱۵,۰۳۲	۰/۱۴	۱۰,۷۳۷,۳۷۱	پرتغال
۲۶,۷۹۹	۳۸,۲۸۴,۴۲۹	- ۰/۰۴۷	۲۶,۹۲۵	۰/۰۷	۳۸,۴۶۴,۸۳۲	لهستان
۲۰,۲۱۴	۱۰,۱۰۶,۸۰۸	- ۰/۰۹۴	۲۰,۴۰۵	۰/۲۰	۱۰,۲۰۲,۳۰۵	جمهوری چک
۱۱,۴۶۰	۵۵۹,۰۲۴	۱/۱۷۲	۱۰,۲۰۰	۲/۰۵	۴۹۷,۵۳۹	لوکزامبورگ
۴,۹۹۱	۵,۵۴۵,۹۴۰	۰/۱۳۷	۴,۹۲۳	۰/۰۹	۵,۴۷۰,۵۳۰	اسلواکی
۳,۱۳۳	۴۲۳,۳۵۳	۰/۴۰۰	۳,۰۱۰	۰/۷۴	۴۰۶,۷۸۶	مالتا
۲,۸۸۹	۹,۶۲۹,۱۳۶	- ۰/۲۵۷	۲,۹۶۴	۰/۰۳	۹,۸۸۰,۱۳۹	مجارستان
۲,۷۵۸	۳,۴۴۷,۵۸۰	- ۰/۲۷۹	۲,۸۳۶	۰/۰۸	۳,۵۴۵,۲۶۰	لیتوانی
۱,۴۵۴	۱,۲۱۱,۸۴۰	- ۰/۶۳۲	۱,۵۴۹	۰/۱۲	۱,۲۹۱,۱۵۹	استونی
۱,۰۶۱	۵,۳۰۷,۱۵۱	۰/۰۹۸	۱,۰۵۱	۰/۰۲	۵,۲۵۵,۴۲۰	فنلاند
۲۰۹	۲,۰۸۵,۳۳۰	- ۰/۶۱۴	۲۲۲	۰/۰۱	۲,۲۱۷,۸۰۲	لتونی
۵,۹۱۴	۹۶۹,۴۳۵	۱/۶۸۸	۵۰۰۲	۰/۶۱	۸۲۰,۰۰۰	قبرس
۱۹/۰۳۴/۳۳۸	۴۹۷/۴۲۲/۱۱۰	—	۱۸/۶۱۹/۵۴۶	۳/۷۹	۴۹۱/۷۷۰/۱۲۰	جمع کل

منابع

۱. استوارت میل، جان (۱۳۶۳)، رساله درباره آزادی، ترجمه: دکتر جواد شیخ‌الاسلامی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. تبعیض و ناشکیبایی علیه مسلمانان در اتحادیه اروپا بعد از ۱۱ سپتامبر (آذر ۸۸)، گزارش فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر هلسینکی، ترجمه: دکتر علی مرشدی‌زاد، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. فلسفه حقوق (۱۳۷۸)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۴. گرجی، علی‌اکبر، آزادی مذهبی و لائیسیتته، در:
<http://hoghoogh.com.online.fr/laicite.htm>
روزنامه وطن امروز، شماره ۴۱۷، مورخ ۱۳۸۹/۲/۲۰.
۵. میرمحمدی، سید مصطفی (پاییز ۱۳۸۶)، عدم ممنوعیت حجاب اسلامی از منظر حقوق بین‌الملل اقلیت‌ها، مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان).
6. Austrian Ministry of Education (June 23, 2004), Science and Culture, policy Document ZI, 20.251/3-III/3/2004.
7. Barnett, Laura (2004), "*Freedom of Religion and Religious Symbols in the Public Sphere*", France, Law and government division, Library of Parliament.
8. Danchin, Peter G (2008), "*Suspect symbols: Value Pluralism as a Theory of Religious Freedom in International Law*", the Yale Journal of International Law, Vol. 33:1.
9. Evans, Carolyn (2006), "*The 'Islamic Scarf' in the European Court of Human Rights*", Melbourne Journal of International Law 52, 4.
10. Evans, Malcolm D (May 2009). "*Manual on the Wearing of Religious Symbols in Public Areas*, Council of Europe Publishing.
11. Editorial (2010), "*Individuals and Rights; The Sour Grapes*", The European Journal of International Law, Vol 21. No. 2.
12. Human Rights Committee (20 July 1993), General Comment 22, Article 18, CCPR/C/21/Rev. 1/Add 4.
13. IHF (2004), Human Rights in the OSCE Region: Europe, Central Asia and North America (Events of 2003).
14. Rorive, Isabelle (2009), "*Religious Symbols In The Public Space: In Search of A European Answer*", Cardozo Law Review, Vol. 30:6.
15. Sundkvist, Nanna (Spring Semester 2010). "*The Wearing of Religious Symbols at the Workplace in Sweden*", Sweden master thesis for Human Rights Law degree, Faculty of Law, University of Lund.
16. Winter, Bronwyn (2008), "*Hijab & the Republic: Uncovering the French Headscarf Debate*", Syracuse University Press.

17. Witte, John and Green, Christian (2009), "**Religious Freedom, Democracy, And International Human Rights**", Emory International Law Review, Vol.23.
18. <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1286457>
19. <http://www.reuters.com/article/2010/04/22/us-france-burqa-idUSTRE63L33R20100422>
20. <http://politics.guardian.co.uk/gla/story/0,,1952628,00.html>
21. <http://www.ipsos-mori.com/polls/2006/itv.shtml>
22. <http://www2.ohchr.org/english/issues/religion/standards.htm#I3>
23. <http://www2.ohchr.org/english/issues/religion/standards.htm#I3>
24. <http://www2.ohchr.org/english/issues/religion/I3c.htm>
25. http://www.europa.eu.int/comm/employmentsocial/fundamental_rights/legis/legin_en.htm